

سنت استدراج چیست و چه کسانی به آن دچار می‌شوند؟

سنت استدراج؛ سقوط تدریجی و نامحسوس در عذاب

شاید برای شما هم پیش آمده باشد، که با دیدن نعمت‌های افراد ظالم و فاسد به عدالت خدا شک کنید و از خود بپرسید: چرا فلانی با وجود این همه ظلم و گناه به سزای اعمالش نمی‌رسد؟ چرا نه تنها کیفر نمی‌شود، بلکه در ناز و نعمت زندگی می‌کند و روزبه‌روز بر ثروتش افزوده می‌گردد؟ چرا خداوند به اینگونه افراد کاری ندارد، اما من به محض اینکه گناه یا ظلمی می‌کنم، نتیجه‌اش را می‌بینم؟ مگر خداوند عادل نیست، پس چرا با بندگان‌ش برخورد دوگانه دارد؟

اینگونه افکار و انتظارات کاملاً طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد. اما نکته مهم اینجاست که ما فقط ظاهر قضیه را می‌بینیم و به اصل ماجرا واقف نیستیم. اغلب ما برخورداری از دارایی‌های دنیوی را نشانه محبت خدا می‌دانیم و گمان می‌کنیم به هرکس دارایی‌ها و کمالات بیشتری داده شده، نزد خدا محبوب‌تر است؛ اما همیشه اینطور نیست. دارایی‌ها گاهی در اثر سپاسگزاری اشخاص به آن‌ها داده می‌شوند و گاهی در اثر ناسپاسی و گناه آن‌ها. اگر کسی از گروه دوم باشد، گرفتار سنت استدراج شده است.

استدراج از سنت‌های الهی به شمار می‌رود و به معنای سقوط تدریجی و نزدیک شدن نامحسوس فرد به عذاب است. در این حالت فرد گناهکار هرچه بیشتر گناه می‌کند، دارایی‌ها و نعمت‌هایش نیز افزون‌تر می‌شود؛ تا جایی که گمان می‌کند از مکر و انتقام خداوند ایمنی یافته و می‌تواند با خیال راحت به گستاخی و بی‌باکی‌اش در ظلم به دیگران و انجام انواع گناه و فساد ادامه دهد؛ غافل از اینکه خداوند در کمین ستمکاران است و آنها در پوشش نعمت، آرام‌آرام به عذاب الهی نزدیک می‌شود. داستان استدراج حکایت برخی بیماری‌های خطرناک است که به‌طور خاموش، بدن را درگیر می‌کنند؛ اما فرد متوجه این موضوع نیست، تا زمانی که بیماری در تمام بدن ریشه می‌دواند و ظرف مدت کوتاهی فرد را از پا درمی‌آورد.

رابطه میان نعمت‌ها و سنت استدراج چیست؟

خداوند از روی رحمت بی‌کران و علاقه وافری که به بندگان دارد، به همه کسانی که دچار انحراف می‌شوند و از صراط مستقیم فاصله می‌گیرند، مهلت می‌دهد تا به خودشان بیایند و دست از کفر و ظلم و گناه بردارند. خیلی‌ها هم به واسطه همین فرصت، توبه می‌کنند و به فطرت پاک خود برمی‌گردند. اما گاهی فرد گناهکار، لجباز و غیرقابل هدایت است و حاضر نیست تحت هیچ شرایطی دست از سرکشی و گناه بردارد. از این رو دچار مکر الهی یا استدراج می‌شود؛ یعنی خداوند او را به حال خود رها می‌کند و به او مهلت می‌دهد تا هرچه می‌خواهد گناه کند و از طرفی نعمت، سلامتی و برکات فراوان به او می‌دهد و حتی ممکن است دعاهایش را خیلی زودتر از انسان‌های مؤمن و پاک مستجاب نماید؛ چون دعا وسیله‌ای برای تقرب به خداست و علت اجابت نشدن برخی از دعاها مؤمنان این است، که خدا آن‌ها را عاشقانه دوست دارد و می‌خواهد به بهانه رفع نیازهایشان هم که شده، زودبه‌زود به ملاقات خدا بروند؛ اما افرادی که در مورد آن‌ها صحبت کردیم، به دلیل داشتن روحیه لجبازی و عناد، آنقدر از چشم خدا می‌افتند که خداوند به قدر یک دعا هم دوست ندارد آن‌ها را بر درگاهش ببیند؛ لذا دعایشان را سریع اجابت می‌کند.

البته بدیهی است که برخورداری از نعمات یا اجابت سریع دعا به خودی خود نشانه استدراج نیستند. خدا به بعضی افراد نعمت می‌دهد، چون شکرگزارند و از نعمت‌هایی که دارند در مسیر حق و به‌درستی استفاده می‌کنند؛ اما چنانچه فرد در برخورد با نعمت‌ها، آن‌ها را ضایع کرده و در مسیر باطل، ظلم و فساد به کار اندازد، برخورد خداوند با او دیگر از سر رحمت نخواهد بود و گرفتار سنت استدراج می‌شود. از این رو در روایات اسلامی آمده: «ای فرزند آدم، زمانی که می‌بینی خداوند انواع نعمت‌ها را به تو می‌رساند، درحالی‌که تو معصیت‌کاری، بترس.»^۱

^۱ «يَا أَيُّهَا آدَمُ، إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ شَيْخَانَهُ يُنَاقِشُ عَلَيْكَ نِعْمَةً وَأَنْتَ تَغْصِيهِ، فَاخْذَرْ؛ أَيُّ فَرْزَنْدِ آدَمَ زَمَانِی کِه خُدا رَا می‌بینی کِه اَنْوَاعِ نِعْمَتِ هَا رَا بَه تُو می‌رساند تُو در حَالِی کِه مَعْصِیَّتِ کَارِی، بَتَرَس.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵)

سنت استدراج و دلایل ابتلا به آن

یکی از از مهم‌ترین عوامل دچار شدن به سنت استدراج، عدم ترس از نتیجه اعمال و بی‌حیایی و گستاخی در برابر خداست. در این که گناه اثر وضعی دارد و به هر دلیلی که اتفاق بیفتد، قلب را کدر و آلوده می‌کند، شکی نیست؛ اما در عین حال، نباید همه گناهکاران را به یک چشم نگریست. خیلی از افراد به سبب غفلت و عدم تسلط بر هوای نفس مرتکب گناه می‌شوند و خیلی زود نیز از کرده خود پشیمان می‌شوند؛ اما بعضی‌ها با وقاحت و از روی عمد گناه می‌کنند. گویی خود را قدرتی برتر می‌بینند که کسی یارای مقابله با آن‌ها را ندارند. خداوند برای اینگونه افراد نیز به شکل‌های مختلف زمینه توبه و هدایت را فراهم می‌کند، اما آن‌ها عمداً پیام‌های الهی را نادیده می‌گیرند. لذا چاره‌ای نیست، جز اینکه به حال خود رها شوند.

مستی نعمت و غوطه‌ور شدن در لذات مادی به گونه‌ای که موجب غفلت شود، یکی دیگر از عوامل مبتلا شدن به استدراج است. نعمت‌ها و کمالات همیشه مفید نیستند، بلکه بسیاری از اوقات ما را از خود حقیقی مان، خداوند و هدف خلقت دور می‌کنند. ارتباط ما با نعمت‌ها باید به گونه‌ای باشد که افزایش آن‌ها تعادل‌مان را برهم نزند و از صراط مستقیم منحرفمان نکند. کسانی که به موازات افزایش نعمت‌ها و کمالات، خودسازی و تزکیه نفس ندارند، خیلی زود از مرتبه انسانی سقوط می‌کنند و چه بسا به جایی برسند، که از جمادات و گیاهان و حیوانات نیز پست‌تر و پایین‌تر شوند.

تکذیب آیات الهی^۲ و مسخره کردن پیامبران یا مؤمنان^۳ از دیگر عواملی است که زمینه ابتلاء به استدراج را فراهم می‌کند. ریشه این قبیل رفتارها به همان لجبازی و عنادی برمی‌گردد، که درباره‌اش صحبت کردیم. برخورداری از توانایی‌های ویژه و انجام کارهای خارق‌العاده توسط افراد ناشایست نیز مصداق دیگری از استدراج است و دلیل بر حقانیت اینگونه افراد نیست.

^۲ سورة اعراف، آیه ۱۸۲
^۳ سورة رعد، آیه ۳۲

حال که با سنت استدراج و عوامل ایجاد کننده آن آشنا شدیم، باید ببینیم راهکارهای ایمنی از این سنت الهی چیست؟

چگونه می‌توانیم از سنت استدراج در امان باشیم؟

• تقویت ایمان و رعایت تقوا

بدون شک یکی از مهم‌ترین راه‌های در امان ماندن از سنت استدراج، تقویت ایمان و رعایت تقواست. مؤمن حقیقی و کسی که به خودشناسی و خداشناسی رسیده، حتی اگر مرتکب گناه شود، از روی غفلت است؛ نه از سر طغیان و لجاجت. خداوند با چنین فردی همواره از روی رحمت رفتار می‌کند و اگر فرصتی در اختیار او قرار می‌دهد، برای این است که هوشیار شود و به اصالت و حقیقت انسانی خود برگردد.

• یاد خدا و سپاسگزاری از نعمات او

یاد معشوق حقیقی، دعا و تضرع به درگاه او و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها، ریسمان محکمی است که ما را از افتادن در ورطه هلاکت و گرفتار شدن به سنت استدراج نجات می‌دهد. به خصوص شکرگزاری در این زمینه نقشی بسیار مهم و کلیدی دارد. فردی از امام صادق (علیه‌السلام) پرسید: «من از خداوند عزوجل مال خواستم، به من عطا کرد. از او فرزند خواستم، به من عطا کرد. از او خواستم به من منزل دهد، عطا کرد. می‌ترسم از اینکه این استدراج باشد.» حضرت فرمودند: «به خدا با سپاسگزاری، استدراج نیست.»^۴

• مراقبه و محاسبه

^۴ «عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُزَيِّنِي مَالاً فَرَزَّقَنِي وَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يُزَيِّنِي وَلَدًا فَرَزَّقَنِي وَلَدًا وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يُزَيِّنِي دَارًا فَرَزَّقَنِي وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ إِسْتِدْرَاجًا فَقَالَ أَمَّا وَ اللَّهُ مَعَ الْخَمْدِ فَلَا.» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۹۷)

مراقبه یعنی مواظبت بر همه اعمال، ارتباطها، انتخابها، رفتار و اندیشه‌ها، تا برخلاف رضایت و دستورات الهی نباشد. محاسبه هم رسیدگی و حساب کشیدن از نفس بابت کارهایی است که در طول روز انجام داده است. کسی که مراقبه و محاسبه داشته باشد، هرگز به غفلت، دست و پا زدن در گناهان و مستی نعمت دچار نمی‌شود و در نتیجه از سنت استدراج در امان خواهد بود.

• استغفار و توبه از گناهان

شدت عشق و علاقه خدا نسبت به ما قابل توصیف نیست. خدا هرگز دوست ندارد به سبب خطاهایی که انجام می‌دهیم، گرفتار عذاب شویم. اما به هر حال ما در انتخاب راه و منش زندگی خود مختاریم و خدا هم بنا ندارد این اختیار را از ما سلب کند؛ در نتیجه اگر ببیند به بیراهه می‌رویم، با فرستادن نشانه‌های هدایت و زنگ‌های بیدارباش، راه درست را نشانمان می‌دهد و چنانچه تصمیم به توبه و استغفار بگیریم، آغوشش را برای پناه دادن به ما باز می‌کند و تمام خطاهایمان را نادیده می‌گیرد. استغفار و توبه از گناهان یکی دیگر از عواملی است که سنت استدراج را دگرگون می‌کند و جلوی وقوع آن را می‌گیرد.

تعادل در خوف و رجاء

همان‌طور که هرگز نباید از رحمت الهی ناامید شویم، امید افراطی و در امان دانستن خود از مکر و عذاب الهی هم خطرناک است؛ تا جایی که ایمنی از مکر خدا از گناهان کبیره شمرده می‌شود. مؤمن همواره باید حالتی بین خوف و رجاء داشته باشد؛ یعنی هم از عقاب خداوند بترسد و گناه نکند و هم به رحمت خدا امیدوار باشد و از بخشش گناهانش مأیوس نشود. رعایت تعادل در خوف و رجاء جلوی وقوع سنت استدراج را می‌گیرد.

در این درس درباره یکی از سنت‌های الهی به نام سنت استدراج صحبت کردیم. استدراج به معنی نزدیک شدن تدریجی به عذاب الهی است و مخصوص کافران و گناهکاران لجوجی است، که بر گناه و فساد خود

اصرار دارند. در سنت استدراج، خداوند پیاپی به فرد گناهکار نعمت می‌دهد. او نیز به آن نعمات مشغول می‌شود و از استغفار و شکر آن نعمت‌ها کوتاهی می‌کند، تا اینکه سرانجام به کیفر می‌رسد. نمونه‌های تاریخی زیادی از افرادی که گرفتار این سنت الهی شده‌اند، وجود دارد؛ از حکمرانان و فرمانروایان فاسد و ظالم گرفته تا انسان‌های معمولی، که دامنهٔ ظلم و گناهشان محدودتر بوده است. نظر شما دربارهٔ استدراج چیست؟ آیا نمونه‌هایی از افرادی که به آن مبتلا شده‌اند را در اطراف خود دیده‌اید؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer